

داریوش



کنکاش زبانی بر روی نام و واژه داریوش $D\bar{a}rayava^h u$ ے
 واژه داریوش در کتیبه های پارسی باستان بصورت «
 » $D\bar{a}rayava^h u$ داری وَهو - آوانویسی شده است و فرم
 ایلامی این واژه در کتیبه های سه زبانه بصورت- $da-ri-ia$ «
 » $ma-u-i\check{s}$ حکاکای شده است [کنت : ۱۸۹] نام داریوش در
 زبان اوستا بکار نرفته است به ظن قوی فرم اوستایی نام داریوش
 باید با واج Z شروع گردد چون واج آغازین d پارسی باستان با
 واجگونگی در زبان اوستا با نویسه Z نگارش شده است مثلا واژه
 اوستایی « $zrayah$ » دریا - با فرم فارسی باستان $drayah$ «
 » دریا - مقایسه شده است یا اینکه ؛ واژه اوستایی $zaranya$ «
 » زر [درخشیدن] - با واژه فارسی باستان « $daraniya$ » زر
 - مقایسه شده است [کنت : ۱۸۹-۱۹۲] .

نام بیشتر شاهان ایران باستان بی مناسبت با رود یا رودها نبوده است و شاهان یا اسم رودی را بر نام خود
 گذاشته اند یا نام خود را با الهام از رودی ، نامگذاری کرده اند چنانکه کورش نام خود را با الهام از رود کر
 کوروش نامیده است چون ارتباطات دنیای باستان بیشتر از طریق رودها امکان پذیر بوده است. در مورد داریوش
 هم این فریضه صادق است و به نام داریوش رودهایی در ایران باستان جاری بوده است . استرابون در شرح شهر
 « $B\acute{a}κτηη$ » باختر ے گوید که این شهر همچنین « $Zar\acute{\iota}\sigma\pi\alpha$ » زریسپه ے نیز نامیده شده است و در آنجا
 رودی به " همان نام " روان است که این رود ، به رود « $\Omega\acute{\xi}\omicron\varsigma$ » اُکسوس - می پیوند همراه با « $\Delta\acute{\alpha}\rho\alpha\psi\alpha$ »
 « داراپس - و نیز با چندین شاخه دیگر ([۴ . 7c - 516 p . 1 sqq . XI 11] III . نشانه آوایی ایران
 باستان « sp » در زبان یونانی بصورت « ψ » پسی ے گزارش شده است و واژه ای که در زبان فارسی بصورت "
 داراپس " باقی مانده است فرم یونانی این واژه می باشد همچنین فرم آوایی « $Zar\acute{\iota}\sigma\pi\alpha$ » زریسپه - (یعنی
 نام شهر برگرفته از نام خود رود بوده است) فرم شمال شرقی و اوستایی این واژه محسوب میگردد که در مقابل
 فرم جنوب غربی و پارسی باستان « $\Delta\acute{\alpha}\rho\alpha\psi\alpha$ » داراپس - بکار رفته است همچنین ؛ واژه ای که در زبان
 پارسی میانه بصورت « $D\bar{a}r\bar{a}v-kirt$ » داراب گرد یا داراب شهر ے بکار رفته است که خود بر گرفته از نام

رودی است که در شهر داراب گرد جاری بوده است. و محتملا *Dār-āv* مشتق از *āv*؛ *āb* آب ۱ است چنانکه ؛ در فارسنامه ناصری به وجه تسمیه دارابگرد بدین گونه اشاره رفته است: کلمه « دار » در لغت به معنی پرورنده است. پس داراب یعنی پرورنده آب (پرورش یافته در آب) و این بلوک را برای فراوانی چشمه‌های آب گوارا و رودخانه‌های بسیار، دارابگرد که در اصل دارابگرد است نیز گویند. برای آنکه در شاهنامه فرموده است: این شهر را داراب کیانی پسر بهمن بساخت و « گرد » به معنای شهر باشد و « جرد » معرب آن است و چون همای، داراب را بیزاد در صندوقش گذاشت و بر روی آب رودخانه « فرات » روانه اش بداشت و به این جهت او را « دار آب » گفتند. (فارسنامه ناصری ۱ جلد دوم صفحه ۱۳۰۶]

بخش دوم نام داریوش هم با " آب " پیوندی ناگسستنی دارد همکرد ثانوی نام داریوش در کتیبه‌های پارسی باستان بصورت «*vahuš*» نگارش است اساسا خوشه آوایی و ایلامی *ma* در کتیبه‌های پارسی باستان با خوشه آوایی *va* نگارش شده است چنانکه ؛ واژگان ایلامی «*ma-u-ka*» ؛ «*ma-u-ik-ka*» ؛ «*ma-ú-uk-*» «*ka*» ؛ «*ma-u-uk-ka*» که از نوشته‌های ایلامی بازمانده است همه این واژگان در پارسی باستان با واژه «*Vahuka*» و هوکه ۱ نام پدر > «*Ardumaniš*» مقایسه شده اند.

نکته مهم این است که واژه «*Vahuka*» و هوکه ۱ - که در متون یونانی بصورت «*Ωχος*» اُخس یا اُخسوس ۱ و گزارش شده است [یوستی : ۳۴۱ & - کنت ۲۰۷] خود نام رودی است که روزگاری از شرق دری ای کاسپین وارد این دریا شده است همچنین ؛ نام نخستین داریوش دوم و نیز اردشیر سوم هخامنشی «*Ωχος*» «اُخس - گزارش شده است [یوستی : ۳۴۱] در واقع نام نخستین داریوش دوم و نیز اردشیر سوم هخامنشی نخست «*Ωχος*» ۱

اُخس ۱ نبوده بلکه این بخش از نام داریوش «*da-ri-ya-ma-u-iš*» برگرفته از بخش دوم یا همکرد پایانی این واژه و «*ma-u-iš*» است که با تغییر پایانه صرفی ؛ در زبان یونانی بصورت «*Ωχος*» اُخس - گزارش شده است. در زبان اوستا از رود اساطیری بنام «*vaŋhvī*» ونگهوی ۱ سخن به میان آمده است [بارتولمه : ۱۳۵۰]. برخی مواقع در زبان اوستا برای تفکیک معنایی و دستوری واژگان، به میان برخی همکردها نشانه

آوایی «*η*» افزوده شده است و در پارسی میانه این نشانه آوایی حذف میگردد روی همین اصل است که بارتولمه واژه «*vaŋhvī*» ونگهوی ۱ را در دوره میانه با واژه «*rōt vēh*» و رود ۱ مقایسه کرده است [بارتولمه : ۱۳۵۰] واژگان ایران باستان و ایران میانه در برخی موارد تشابه آوایی پیدا می کنند بدین جهت واژه «*vēh*» با تلاقی آوایی هم بار معنایی " وه ، خوب " پیدا کرده و هم برای نام «*vēh rōt*» و رود ۱ نیز بکار رفته است و نیز قابل ذکر است شهر سلوکیه در کنار رود تیگریس قرار داشت و اردشیر ساسانی آن را دو باره احیا نموده و نام این شهر را وه اردشیر نامید <حرف نویسی *wdh 'lthšdl* ۱ و آوانویسی *vēh Artaxšēr* وه اردشیر >.